

# فیلمسازان آن نسل

سینمای ایران، امروز مجموعه‌ای ارزشمند از فیلمسازان با گرایش‌های مختلف را در دل خود جای داده است. فیلمسازی که سینما را در ۳۴ سال قبل آغاز کردند، در کنار جوانانی که از دل جنگ و انقلاب پای به سینما گذاشتند. و مطلب زیر نگاهی دارد به چهره‌های برگزیده این دو نسل و وضعیت فعلی آنها. بدیهی است که مسأله سلیقه را در این انتخاب نباید فراموش کرد.



## داریوش مهرجویی؛ ستاره‌اش غروب کرده است!

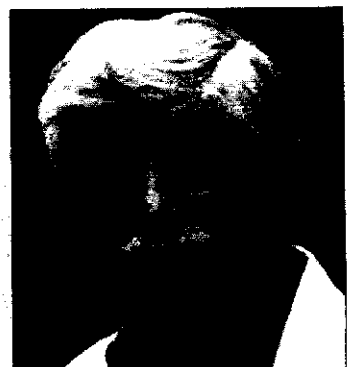
در دهه پنجاه پرچمدار سینمای روشنفکرانه بود؛ با گاو، آقای هالو، پستیچی و دایره مینا، با اقتباس‌هایی ادبی از سعدی و بوختر. در دهه ۶۰ با آجاره‌نشین‌ها و شیرک همه را غافلگیر کرد. از سال ۶۸ با هامون دوره طلایی خود را آغاز کرد. سپس با سارا، بانو، پری، لیلا و درخت گلایی خود را به عنوان یک سینماگر درجه یک نمایاند. ملودرام‌هایی جذاب با نگاه به مسأله



سنت و مدرنیسم که عموماً پرفروش بودند. از سال ۷۶ به بعد دوران فترت دوباره‌ای را چه در زمینه جلب تماشاگر و چه منتقدان تجربه کرده است. فیلم‌های میکس و بمانی خبر از غروب ستاره او می‌دهند.

## بهرام بیضایی؛ با همان سبک، با همان سیاق

فیلمساز محبوب منتقدین، با درگیری همیشگی با مسأله ممیزی، در دهه پنجاه با رگبار و غریبه و مه آغاز کرد، تحت تأثیر کوروساوا، هیچکاک و یانچو. با سابقه کار مستمر در تئاتر و ادبیات کهن، سبک فیلمسازی‌اش را پس از انقلاب بدون تغییر ادامه داد. تا سال ۶۶ پر کار است. چریکه تارا، مرگ یزدگرد، باشو غریبه کوچک و شاید وقتی دیگر. به غیر از شاید وقتی دیگر، سه فیلم دیگر با وقفه



در نمایش مواجه می‌شوند. پس از ساخت مسافران به سال ۷۰، ده سال فیلم نمی‌سازد، اما نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های فراوانی را منتشر کرد. در سال ۸۰ سگ‌کشی را ساخت که در ۸۱ اکران شد، با همان نگاه قدیمی به جامعه و همان سبک پر آب و تاب، گویی چیزی تغییر نکرده است. فیلم با فروش چشمگیری روبه‌رو شد.

## ناصر تقوایی؛ دلپسته ادبیات

در کارنامه سی و چهارساله فیلمسازی او، تنها ۶ فیلم بلند وجود دارد. فیلم‌های او علی‌رغم استفاده از مایه‌های روشنفکرانه، مؤلفه‌های مشترکی ندارند. پیش از انقلاب، آرامش در حضور دیگران، صادق کرده و نفرین را ساخت و پس از



انقلاب ناخدا خورشید، ای ایران و کاغذ بی خط را ساخت. او دلپسته شخصیت‌پردازی و روایت است. با سواوس عجیب در فیلمسازی که موجب هراس همیشگی تهیه‌کننده‌ها شده است. او هم سابقه‌ای بلند در ادبیات و داستان‌های کوتاه دارد. او همراه با دریا بندری و گلستان از مروجین سبک همینگوی در ایران بوده است.



### عباس کیارستمی؛

**در جهان او را می ستایند، در ایران...؟**  
با نان و کوچه فیلمسازی را در کانون پرورش فکری آغاز کرد. در طول دهه پنجاه چند فیلم کوتاه ساخت که از میان آنها، مسافر از اهمیت خاصی برخوردار است. او پیش از انقلاب فیلمساز جالب، اما نه چندان مهمی شناخته می شد. پس از انقلاب، سینمای آماتورنمای او مورد توجه مسئولان فآرایی و سپس جشنواره های اروپایی قرار گرفت. خانه دوست کجاست؟، مشق شب و کلوزآپ آغازگر این موج حمایت و توجه بودند.

در دهه ۹۰ با فیلم های زندگی و دیگر هیچ، زیر درختان زیتون، طعم گیلان و باد ما را با خود خواهد برد، به یکی از مهمترین فیلمسازان جهان بدل شد که چندین جایزه از جشنواره های خارجی نیز به دست آورد. از سال ۲۰۰۰ یک دوره نزول مشخص با فیلم های ABC آفریقا و ۱۰ آغاز کرده است. کیارستمی به شکل متناقضی علی رغم محبوبیت خارق العاده اش در اروپا و ژاپن، در ایران از محبوبیت چندانی برخوردار نیست. او یکی از چهره های متناقض سینمای امروز ایران است.

### دیگر فیلمسازان آن نسل

**سهراب شهید ثالث؛** او پیش از انقلاب فیلم های مهمی مثل یک اتفاق ساده و طبیعت بیجان را ساخت. بعد از انقلاب به آلمان رفت و چند سال پیش در غربت درگذشت.

**علی حاتمی؛** سبک فیلمسازی خود را بعد از انقلاب نیز ادامه داد. در سال ۷۵ درگذشت.

**پرویز کیمیایی؛** او پیش از انقلاب با مغول ها، پ ملل پلکان و یا ضامن آهواز چهره های مهم سینمای روشنفکرانه ایران بود، با تأثیراتی واضح از گنار و شرکا. تنها یک فیلم پس از انقلاب در ایران ساخت؛ ایران سرای من است اما دوباره به فرانسه بازگشت.

**امیر نادری؛** با دوندۀ و آب، باد خاک جوایز جهانی فراوانی گرفت، اما در سراب موفقیت به آمریکا کوچ کرد و محو شد!

**بهمن فرمان آرا؛** پس از سال ها اقامت در آمریکا و کانادا به ایران آمد و با دو فیلم بوی کافور، عطر یاس و سپس خانه ای روی آب دو بار پیاپی عنوان بهترین فیلم جشنواره فجر را کسب کرد!

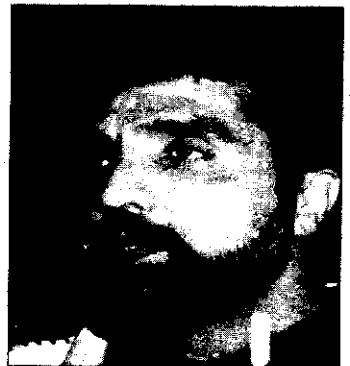
# فیلمسازان این نسل



### بهروز افخمی؛

#### تکنیک بهتر است یا محتوا؟

فارغ التحصیل مدرسه عالی سینما و تلویزیون. وقتی جانشین تقوایی در پروژه میرزا کوچک خان شد، نامش بر سر زبان ها افتاد. هر چند دشمنان فراوانی نیز برای خود تراشید. با فیلم عروس پرچمدار مخالفت با سینمای روشنفکرانه و طرفداری از سینمای استخواندار داستانگو و ارجحیت تکنیک بر محتوا شد. او سبک سینمای معاصر آمریکا را حلال مشکلات سینمای ایران دانست. تا به امروز ۶ فیلم ساخته که چهارتای آنها (عروس، روز فرشته، عقرب



و شوکران) از فروش بالایی برخوردار بودند. او در حال حاضر از وزنه های معتبر سینمای ایران است. افخمی در ژانرهای گوناگون سینما طبع آزمایی کرده و در اکثر این آزمون ها موفق بوده است. نماینده فعلی تهران در مجلس، منتهاست که فرصت فیلمسازی نیافته است و سرگرم بازی های سیاسی روزگار است.

### مجید مجیدی؛

#### دل بسته تمثیل

با بازیگری در فیلم های محسن مخملباف، به چهره ای مطرح در سینمای ایران بدل شده با ساخت چند فیلم کوتاه، عاقبت اولین فیلم خود، بدوک را ساخت. با فیلم پدر و سپس بچه های آسمان، به نماینده سینمای جمهوری اسلامی ایران در جشنواره های خارجی بدل شد. با بچه های آسمان به مراسم اسکار نیز راه یافت. رنگ خدا در آمریکا

و خاور دور اکران بسیار موفقی را تجربه کرد (با فروشی در حدود ۴ میلیون دلار).

با فیلم باران، سبک خاص خود را ادامه داد. با تکیه بر ارزش های اخلاقی و معنوی و داستانی گویی با استفاده از نمادهای تمثیلی.

## ابراهیم حاتمی کیا؛ از دل جنگ

سینما را با حضور در گروه روایت فتح و با ساخت فیلم‌های مستند از جنگ، و زیر نظر شهید اوینی آغاز کرد. بعد از ساخت فیلم هویت با فیلم‌های دیده‌بان و مهاجر، خود را به عنوان وزنه‌ای غیرقابل انکار در سینمای ایران نشان داد. در دهه ۶۰ کم کم قهرمانی خود را از جبهه‌های جنگ به داخل جامعه آورد. فیلم‌های از کرخه تا راین، بوی پیراهن یوسف، برج مینو، خاکستر سبز، آژانس شیشه‌ای، روبان قرمز، موج مرده و ارتفاع پست حضور مؤثر او را در سینمای این سال‌ها نشان می‌دهند. برخی از فیلم‌های او،



به خصوص از کرخه تا راین، آژانس شیشه‌ای و ارتفاع پست ارتباط مناسبی با مخاطب ایجاد کرده‌اند. هرچند دوستداران همیشگی سینمای او عقیده دارند نمی‌توانند فیلم‌های اخیر او را به شکل واضحی تحلیل و تفسیر کنند. او همراه با مخملباف محبوبترین فیلمساز پس از انقلاب است.

## رخشان بنی‌اعتماد؛ هنمائی فرانچسکو رزی

فیلمسازی را با آثار مستند درباره محیط‌های کارگرنشین حومه تهران آغاز کرد، اما در اولین فیلم‌هایش نوعی سینمای کم‌دی - اجتماعی را دنبال کرد که یادآور کم‌دی‌های ایتالیایی دهه هفتاد میلادی بود. با فیلم ترگس به فیلمسازی مهم بدل شده با روسری آبی نگاه طرفداران سینمای اجتماعی را به سمت خود جلب کرد. با بانوی اردیبهشت فیلمی روشنفکرانه و فمینیستی ساخت و بالاخره با زیر پوست شهر نشان داد که به عنوان فیلمساز بر ابزار



داستان‌گویی کاملاً مسلط است. او فیلمسازی کم‌کار و پروسواس است که به شکل واضح به مؤلفه‌های سینمای متعهد و اجتماعی علاقه دارد. چیزی در ردیف فرانچسکو رزی!

## محسن مخملباف؛ باهوش

سینما را با فیلم‌های به‌غایت ایدئولوژیک آغاز کرد (توبه نصح، استعاده). با بایکوت خود را به عنوان فیلمسازی جالب توجه به همه نمایاند. با دستفروش غافلگیری بزرگی را رقم زد. با بایسیکل ران و عروسی خوبان به سینماگری جسور و

محبوب بدل شد. کم‌کم از آرمان‌های اولیه دوران فیلمسازی‌اش فاصله گرفت و با فیلم‌های نوبت عاشقی و شب‌های زاینده‌رود مزه توقیف شدن را چشید. در ابتدای دهه هفتاد با



ناصرالدین شاه آکتور سینما و هنرپیشه به اوج دوران فیلمسازی‌اش رسید اما از آن پس شروع به ساخت فیلم‌های جشنواره‌پسند کرد. فیلم‌هایی مثل سلام سینما، گبه نون و گلدون،

سکوت و سفر قنقار. به تدریج از محبوبیت بی‌نظیر او در دهه شصت کاسته شده است و آن تماشاگران بالقوه خود را از دست داده است. در عوض در خارج از کشور توفیق‌های مالی فراوانی را تجربه کرده است. او هنوز از هوشمندی فراوانی در تشخیص ذائقه عمومی برخوردار است.

## فیلمسازان دیگر این نسل

**تهمینه میلانی؛** یک فمینیست دوانشه با فراز و فرودهای مداوم. اوج کارنامه فیلمسازی او فیلم دو زن است.

**رسول ملاقلی پور؛** سینما را با فیلم‌های جنگی آغاز کرد. فیلمسازی جالب توجه اما پرفراز و نشیب. هنوز هم فیلم‌های جنگی خوبی می‌سازد. مؤلفه مشترک فیلم‌های او حس عصیان و عصیبت است.

**کیانوش عیاری؛** در دهه ۶۰ امید بزرگ سینمای ایران بود، اما کم‌کم با پافشاری در سبک آماتورگونه‌اش محو شد.

**مسعود جعفری جوزانی؛** او هم همپای عیاری، امید بزرگ سینمای دهه ۶۰ بود، اما به دلایلی نامعلوم از جریان اصلی سینمای ایران خارج شد.

**رسول صدرعاملی؛** با گل‌های داودی به شاه‌مهره سینمای تجاری بدل شد، اما این نوع سینما را بی‌نگرفت و از جریان اصلی حذف شد. از سه سال پیش با دختری با کفش‌های کتانی و سپس من ترانه ۱۵ سال دارم، خود را به عنوان سینماگری مهم و قدرتمند نشان داده است.

**دیگران:** احمد رضا درویش، کیومرث پوراحمد، جمال شورجه، علیرضا دلوندزاد، جعفر پناهی، ابوالفضل جلیلی، داود میرباقری، فریدون جیرانی، مجتبی راعی و...

نقد سینما بر گزاری می کند:

# انتخاب معنوی ترین لحظات تاریخ سینمای ایران

برای ما بنویسید:

- ۱- معنوی ترین لحظه تاریخ سینمای ایران مربوط به کدام صحنه از کدام فیلم است؟
- ۲- معنوی ترین فیلم تاریخ سینمای ایران، چه فیلمی است؟
- ۳- کدام فیلمساز خالق معنوی ترین فیلم های تاریخ سینمای ایران است؟

پاسخ های خود را حداکثر تا ۱۵ شهریور ۱۳۸۱ به نشانی فاطمی، خیابان دود، شماره ۱۴، طبقه چهارم، فراخوان نقد سینما ارسال نمایید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرستان جامع علوم انسانی